

گفت‌وگو با کاظم اکرمی و علی اصغر فانی، دو وزیر پیشین آموزش و پرورش درباره ضرورت بازنگری در سیاست‌های آموزشی دولت

فقط مدرسه‌سازی راه‌حل نیست



یک «ابریژه ملی» تعریف و مدیری توانمند در سطح کشور مأمور اجرای آن شود تا مجموعه‌ای از اقدام‌های هماهنگ در حوزه‌های مختلف، به‌تحقق واقعی عدالت آموزشی بینجامد.

۵ حوزه کلیدی برای تحقق عدالت آموزشی کدام‌اند؟

فانی به یکی از یادداشت‌های خود اشاره می‌کند و می‌افزاید: من در این یادداشت پیشنهاد کرده‌ام تحقق عدالت آموزشی تنها زمانی ممکن است که در پنج حوزه اساسی اقدام‌های جدی و هماهنگ صورت بگیرد. نخست، بودجه است؛ آموزش و پرورش با اعتبارات کنونی خود توان پیشرفت فراتر از وضعیت موجود را ندارد و بدون افزایش واقعی منابع مالی، هر طرحی در حد شعار باقی می‌ماند. دوم، مدیر مدرسه است که باید انسانی تحول‌گرا، باانگیزه و صاحب اختیار باشد؛ مدیری که بتواند مدرسه را نه با ترس و روزمرگی؛ بلکه با خلاقیت و تصمیم‌گیری مستقل اداره کند. سوم، کاهش تنوع مدارس است. گوناگونی بی‌رویه مدرسه‌ها، از نمونه‌دولتی تا غیردولتی و خاص، موجب‌شده‌دانش‌آموزان توانمند از مدرسه‌های دولتی جدا شوند و این مدرسه‌ها از حضور نخبگان خالی بمانند. نتیجه‌آن شده‌که قابلیت، پویایی و انگیزه در مدرسه‌های دولتی فروکش کرده است. چهارم، فضا و تجهیزات آموزشی است که خوشبختانه در ماه‌های اخیر با ورود خیران مدرسه‌ساز و همکاری مردم تا حدی مورد توجه قرار گرفته‌و در نهایت، از همه‌مهم‌تر، معلم است؛ محور روح آموزش و پرورش. بدون توجه به شأن، معیشت و انگیزه معلمان، هیچ طرحی برای عدالت آموزشی به ثمر نخواهد نشست. این پنج مؤلفه در کنار هم، ستون‌های اصلی تحقق عدالت آموزشی‌اند. اگر با این پنج عامل به‌صورت متناسب و نظام‌مند برخورد شود، می‌توان امیدوار بود عدالت آموزشی به تدریج تحقق‌یابد. تحقق این هدف نیازمند نگاهی سیستمی است؛ نگاهی که میان بودجه، مدیریت، ساختار مدرسه‌ها، فضا و تجهیزات آموزشی و جایگاه معلم، هماهنگی و تعامل برقرار کند.

عضو شورای عالی آموزش پرورش با تأکید بر اینکه مدرسه‌سازی می‌تواند بخشی از بحران آموزش و پرورش را در حوزه فضا و زیرساخت کاهش دهد؛ اما به تنهایی به‌تحقق عدالت آموزشی منجر نخواهد شد. اظهار می‌کند: عدالت آموزشی زمانی معنا پیدامی‌کند که سایر عوامل مؤثر نیز هم‌زمان اصلاح شوند. اگر معلم انگیزه لازم را نداشته باشد یا از توانمندی حرفه‌ای کافی برخوردار نباشد، ساختن بهترین مدرسه‌ها هم نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت. آموزش و پرورش نظامی زنده و چندبعدی است؛ هرگاه یکی از اجزای آن از توازن خارج شود، کل نظام دچار اختلال می‌شود. بنابراین همان‌گونه‌که فضای آموزشی اهمیت دارد، توجه به معلم، مدیریت، ساختار مدرسه‌ها و بودجه نیز برای تحقق عدالت آموزشی حیاتی است.

تنش و عصبانیت می‌شوند، مادران آرامش خود را از دست می‌دهند و کودکان گرسنه و ناآرام‌های مدرسه‌هایی می‌شوند که دیگر خبری از آرامش و تمرکز در آن نیست. این چرخه خشم و فرسودگی، از خانه تا کلاس درس ادامه دارد؛ معلم ناراضی، مدیر خسته و دانش‌آموز بی‌انگیزه در محیطی گرفتار مشکلاتی فراتر از توان آموزش و پرورش. حل این بحران نه در دست معلم؛ بلکه در گرو تصمیم‌شجاعانه آنان است که کشور را اداره می‌کنند و باید راهی برای آرامش، توسعه و امید باز کنند، پیش از آنکه این چرخه، نسل آینده را فرسوده‌تر از امروز کند. اکرمی درباره راه‌برون‌رفت از وضعیت کنونی خاطرنشان می‌کند: وزیر آموزش و پرورش باید دست به بررسی بنیادی بزند؛ مقایسه‌ای دقیق میان حقوق معلمان و کارکنان سایر دستگاه‌هایی که شرایط مشابه دارند. این موضوع باید به صورت جدی در سطح دولت مطرح و برای آن زمان و اراده واقعی صرف شود. از سوی دیگر، انتخاب مدیران شایسته‌تر را دراهمی آموزش و پرورش ضرورتی انکارناپذیر است. به نظر می‌رسد وزیر فعلی توان یا فرصت کافی برای ارزیابی و نظارت بر مدیران استانی را ندارد. او از فشار نمایندگان و تهدید استیضاح هراس دارد و همین مسئله موجب شده شبکه مدیریتی در بسیاری از استان‌ها از مسیر شایستگی خارج شود. گزارش‌هایی که از معلمان یکی از شهرها به من رسیده، گویای ناراضیاتی از وضع موجود و از مدیرانی که نه بر اساس تخصص؛ بلکه به دلیل وابستگی‌های سیاسی یا نزدیکی به نمایندگان مجلس منصوب شده‌اند. معلمان می‌گویند: «مدیران ما دیگر مدیر نیستند، فقط مطیع و چاکر نمایندگان‌اند». این وابستگی‌های سیاسی، بزرگ‌ترین مانع اصلاح در آموزش و پرورش است و تا زمانی که این چرخه معیوب ادامه داشته باشد، آمیدی به تغییر واقعی نخواهد بود.

پیشنهاد اجرای عدالت آموزشی به‌عنوان «ابریژه ملی»

علی اصغر فانی، دیگر وزیر پیشین آموزش و پرورش نیز با بیان اینکه آموزش و پرورش به سبب گستردگی و وسعت ساختار خود و همچنین جمعیت انبوه مخاطبانش، نهادی است که اثر هرگونه تغییر در آن به سرعت نمایان نمی‌شود، به خبرنگار مامی‌گوید: نباید انتظار داشت طر‌ح‌های جدید در این حوزه در کوتاه‌مدت نتیجه بدهند. رئیس‌جمهور در تعیین اولویت‌های آموزش و پرورش بر دو محور اصلی تأکید کرده‌اند؛ عدالت آموزشی و ارتقای کیفیت آموزش. این دو محور در صورت پیگیری درست، می‌توانند زمینه‌ساز تحولی عمیق در نظام تعلیم و تربیت کشور باشند؛ زیرا اولویت‌ها به درستی انتخاب شده‌اند. او تأکید می‌کند: با این حال، عدالت آموزشی پدیده‌ای تک‌بعدی نیست؛ مفهومی چندلایه است که باید در ابعاد مختلف مورد بررسی و اقدام قرار گیرد. دستیابی به آن نیازمند نگاه‌بروزهای و هماهنگی ملی است. از این رو پیشنهاد می‌شود عدالت آموزشی و ارتقای کیفیت آموزش به صورت

محدئه رضایی | طبق آمار رسمی، دولت در یک سال گذشته بیش از ۵۰ طرح عمرانی را در بخش مدرسه‌سازی آغاز کرده و از مشارکت بیش از ۱۲ هزار خیر مدرسه‌ساز خبر داده است. در همین حال، بودجه آموزش و پرورش در سال ۱۴۰۳ حدود ۸/۹ درصد از بودجه عمومی کشور را به خود اختصاص داد؛ سهمی که با وجود رشد عددی، از نظر قدرت خرید واقعی کاهش محسوسی نسبت به سال‌های گذشته دارد. با وجود این فعالیت‌ها، ناراضیاتی معلمان از وضعیت معیشتی، کمبود نیروی انسانی، فرسودگی مدرسه‌ها و افت کیفیت آموزشی همچنان از چالش‌های اصلی این وزارتخانه است. برخی می‌گویند «اینکه دکتر پزشکیان طی یک سال ۵۲ بار به آموزش و پرورش پرداخته؛ ولی تغییری در کیفیت آموزش حاصل نشده، یک معنی دارد: رانندگی با اخلاص در مسیر اشتباه! و اینکه اولویت رئیس‌جمهور از اصلاح سیاست‌های ناکارآمد و ناعادلانه آموزشی به ساخت و ساز مدرسه رسیده؛ یعنی گرداب مشاوره‌های اشتباه!»

برای بررسی دقیق‌تر عملکرد دولت در حوزه آموزش و پرورش و شنیدن دیدگاه‌های تخصصی، با دو تن از وزیران پیشین آموزش و پرورش گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

گلابیه همیشگی فرهنگیان از تبعیض حقوقی با سایر وزارتخانه‌ها

کاظم اکرمی، وزیر پیشین آموزش و پرورش در خصوص این موضوع به خبرنگار ما می‌گوید: توجه آقای پزشکیان، رئیس‌جمهور به مسئله مدرسه‌سازی در دوران مسئولیتشان اقدامی ارزشمند و درخور قدردانی است؛ اما باید دانست ساخت مدرسه تنها بخش آغازین مأموریت بزرگ آموزش و پرورش است. مسئله بنیادین این نهاد، معلم است؛ از تربیت معلم گرفته تا حفظ انگیزه و روحیه معلمان شاغل و همچنین توجه به ابعاد روحی، عاطفی و فکری دانش‌آموزان. حقیقت آن است که معلمان در طول سال‌های گذشته همواره از پایین بودن سطح حقوق و مزایای خود گلابیه داشته‌اند.

من در زمان مسئولیت خود نیز با همین گلابیه‌ها روبه‌رو بودم؛ هرچند در آن دوران پاسخ این بود که «کشور درگیر جنگ است» و شرایط اجازه اصلاح نمی‌دهد. با این حال تلاش خود را کردم و حتی به آقای موسوی، نخست‌وزیر وقت گفتم: «چرا باید حقوق یک لیسانسه‌شیمی در وزارت نفت بیشتر از یک لیسانسه‌در آموزش و پرورش باشد؟ مدتی بعد من از آموزش و پرورش خارج شدم و تقریباً یک سال پس از آن، جنگ به پایان رسید. او می‌افزاید: در سال‌های جنگ، معلمان با درک شرایط کشور، کمبودها را تا حدودی پذیرا بودند. با این حال، در دوران ریاست‌جمهوری مرحوم آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی با استفاده از وامی که ایشان از صندوق بین‌المللی پول دریافت کرد، بخشی از حقوق معلمان افزایش یافت؛ اقدامی که در زمان خود اثرگذار و قابل قدرانی بود؛ اما این روند تداوم نیافت و در سال‌های بعد، دوباره فاصله حقوقی میان معلمان و کارکنان سایر وزارتخانه‌ها افزایش پیدا کرد. با وجود تلاش‌ها، هیچ‌گاه اقدام مؤثری برای همترازی حقوق معلمان با همسطحان خود در دیگر دستگاه‌ها صورت نگرفت؛ به‌گونه‌ای که حتی معلمان فیزیک و شیمی، حقوقی کمتر از دانش‌آموختگان همان رشته‌ها در وزارتخانه‌های دیگر دریافت می‌کردند. در دوره ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد نیز آموزش و پرورش با مشکلات فراوانی؛ به‌ویژه در حوزه مدیریت روبه‌رو شد. به جز مرحوم فرشیدی، دیگر مسئولان این وزارتخانه سابقه‌چندی در مدیریت آموزشی نداشتند و همین مسئله سبب شد مشکلات ساختاری پابرجا بماند. امروز نیز ناراضیاتی معلمان از وضعیت معیشتی خود همچنان از چالش‌های اصلی این نهاد است؛ ناراضیاتی که در کنار فضای متشنج بین‌المللی و تنش‌های سیاسی، از جمله جنگ اخیر با رژیم صهیونیستی و آمریکا، فشار روانی مضاعفی را بر جامعه فرهنگیان وارد کرده است.

اکرمی با بیان اینکه این روزها شنیده‌ام حقوق یک معلم تازه‌استخدام رسمی حدود ۱۴ میلیون تومان است، عنوان می‌کند: اگر این رقم واقعیت داشته باشد، باید پرسید یک معلم جوان با چنین دریافتی چگونه می‌تواند زندگی خود را در شهری مانند تهران اداره کند؟ در پایتخت، حتی یافتن اتاقی برای اجاره با این مبلغ دشوار است؛ حال آنکه هزینه‌های تغذیه، رفت و آمد و سایر مخارج روزمره نیز به آن افزوده می‌شود. در واقع حتی با دریافتی ۳۰ تا ۴۰ میلیون تومان نیز مشکلات معلمان حل نمی‌شود. مسئله اصلی، ساختاری بوده؛ معلمی که هنوز پس از سال‌ها از وضعیت معیشتی خود ناراضی است، نمی‌تواند احساس امنیت و آرامش شغلی داشته باشد. وقتی معلم ناراضی است، مدیر و معاون نیز با ناراضیاتی و فشار روحی کار می‌کنند و در چنین فضایی دانش‌آموز چه می‌آموزد؟ مدرسه‌ای که در آن همه دل‌نگران و



اکرمی با بیان اینکه این روزها شنیده‌ام حقوق یک معلم تازه‌استخدام رسمی حدود ۱۴ میلیون تومان است، عنوان می‌کند: اگر این رقم واقعیت داشته باشد، باید پرسید یک معلم جوان با چنین دریافتی چگونه می‌تواند زندگی خود را در شهری مانند تهران اداره کند؟ در پایتخت، حتی یافتن اتاقی برای اجاره با این مبلغ دشوار است؛ حال آنکه هزینه‌های تغذیه، رفت و آمد و سایر مخارج روزمره نیز به آن افزوده می‌شود. در واقع حتی با دریافتی ۳۰ تا ۴۰ میلیون تومان نیز مشکلات معلمان حل نمی‌شود. مسئله اصلی، ساختاری بوده؛ معلمی که هنوز پس از سال‌ها از وضعیت معیشتی خود ناراضی است، نمی‌تواند احساس امنیت و آرامش شغلی داشته باشد. وقتی معلم ناراضی است، مدیر و معاون نیز با ناراضیاتی و فشار روحی کار می‌کنند و در چنین فضایی دانش‌آموز چه می‌آموزد؟ مدرسه‌ای که در آن همه دل‌نگران و

گفت و گو

آرش خلیل‌خانه | وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در گفت‌وگو با قدس در خصوص چگونگی تسویه بدهی تأمین اجتماعی به داروخانه‌ها و شایعه قطع حقوق بازنشستگان شاغل در تاکسی‌های اینترنتی توضیح داد.

احمد میدری در حاشیه جلسه هیئت دولت در گفت‌وگو با خبرنگار قدس آنالاین، درباره وضعیت بحرانی داروخانه‌ها برای تأمین و خرید دارو به دلیل تأخیر ۶ ماهه تأمین اجتماعی در پرداخت بدهی خود، در حالی که مطالبات فروردین و اردیبهشت داروخانه‌ها نیز در آبان پرداخت و موجب شده برخی داروخانه‌ها نسخ بیماران را آزاد بپذیرند، گفت: از هفته آینده اوراقی که برای سازمان تأمین اجتماعی تصویب شده، در بازار بورس عرضه می‌شود و بخشی از این اوراق را بانک‌ها قرار است خریداری کنند و با تأمین مالی که صورت می‌گیرد، قسمت دیگری از بدهی این سازمان به داروخانه‌ها پرداخت خواهد شد. وی افزود: در مورد دانشگاه‌های علوم پزشکی و مراکز درمانی آن‌ها

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در گفت‌وگو با قدس:

قطع حقوق بازنشستگان شاغل در تاکسی‌های اینترنتی شایعه است

هم بخشی از بدهی سازمان تأمین اجتماعی به تازگی پرداخت شد و امیدواریم با تأمین مالی که از محل همین اوراق صورت می‌گیرد، بقیه طلب این مراکز نیز تأمین و پرداخت شود. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مورد سهم تأمین اجتماعی از قیمت دارو و اینکه چرا با وجود تغییر قیمت و گرانی شدید دارو این سهم بدون تغییر باقی مانده هم اظهار کرد: تغییر سهم تأمین اجتماعی در پرداخت قیمت دارو در شورای عالی سلامت تعیین می‌شود و فعلاً بر اساس مصوبه سال گذشته این رویه شورا به شکل فعلی است و سهم سازمان تأمین اجتماعی از قیمت دارو بدون تغییر خواهد بود. میدری در خصوص شایعه قطع حقوق بازنشستگان و مستمری‌بگیران شاغل در تاکسی‌های اینترنتی با تصویب لایحه جدید پیشنهادی تأمین اجتماعی، همچنین الزام به پرداخت سهمی با این سازمان از درآمد رانندگان حتی در صورت بیمه نشدن و دریافت نکردن خدمات از این سازمان نیز ابراز کرد: این شایعات و گمانه‌زنی‌ها صحت ندارد، ضمن



یادداشت

جواد صبحی
روزنامه نگار

که خواهد که موری شود تنگدل

مجبور بودم زیاله‌های شب‌مانده را پیش از طلوع آفتاب، وقتی به محل کار می‌روم، در یکی از مخزن‌های شهرداری محله بیندازم. از شب گذشته عبارت «پاکبان محترم! کیسه محتوی شئ بُرنده (تیغ ژلیت) است» را با ماژیک زرد فسفری روی یک برگه نوشته و با چسب نواری ۵ سانتیمتری چسبانده‌ام. شیشه سمت راست خودرو را که پایین می‌آورم، نشانه‌گیری می‌کنم تا کیسه نایلونی پر از زیاله از قاب پنجره بگذرد و درست وسط مخزن فرود بیاید. حتی نیازی به قلق‌گیری با همان دستور کلیشه‌ای «نوک مگسک زیر خال سیاه که در آموزش‌های نظامی یادمان داده بودند» نیست. با تجربه پرتاب‌های گذشته این پرتاب هم با درصد خطای کمی وارد گود هدف می‌شود. پلاستیک زیاله که درون مخزن فرود می‌آید، در کسری از ثانیه گریه‌پلنگی، هراسان از آن می‌پرد بیرون و مثل شبچی رمیده در تاریک‌روشن صبح گم می‌شود.

به یکباره در واکنشی غیر ارادی حس بدی مثل خوره در تمام وجودم رسوخ می‌کند. خودرو را خاموش می‌کنم و همان‌جا کنار زیاله‌هایی که بوی شیرابه‌هایش تا مغز آدم رسوخ می‌کند، ده‌ها «اگر» را در ذهنم تکرار می‌کنم؛ اینکه اگر کیسه زیاله روی حیوان بیچاره سقوط می‌کرد چه می‌شد، اگر گریه بی‌زبان، حمله بوده و حالا از ترس، بچه‌هایش سقط شده باشند چه؟ اگر حیوان بخت‌برگشته را از خواب‌ناز اول صبحش بیدار کرده باشم و اگر از این پس به بیماری روحی و روانی مبتلا شود چه؟ اگر از امروز تا وقت مرگش «قویبای مخزن زیاله» بگیرد چه؟

فردا، اول صبح پنجره را که باز می‌کنم، مثل هر روز برای هر مشت گندم مرغی که پشت پنجره می‌ریزم، نیت می‌کنم؛ این برای سلامتی آقا امام زمان (عج). این برای آرمزش روح پدر و مادر و همه رفتگان، این یکی برای شقای همه بیماران، این هم برای سلامتی دخترم، همسرم، برادر و خواهرانم و مشت آخر برای سلامتی قمری‌ها، گنجشک‌ها و همه کبوترها، گریه‌ها و در امان ماندن تمام حیوان‌ها از شر ما موجودات دوی... «وین شر غاسق ادا و لقب؛ و از شر هر موجود شرور هنگامی که شبانه وارد می‌شود».

پس از اتفاق صبح آن روز، هر از گاه می‌نشینم و خودم را عین آدم‌های پارادوکسیکالی تجسم می‌کنم که صبح علی‌الطوع با کیسه‌های نشان‌دار فسفری، رزتی از مهرباتی به خود می‌گیرند و عصر در بازار پرندگان؛ جایی که صدای سوت و بال آدم‌ها و حیوانات درهم آمیخته است، سر قیمت کاکادو و توله‌سگ‌ها چانه‌زنی می‌کنند.

به شکارچی‌هایی فکر می‌کنم که صبح با تله گذاشتن در کنار چشمه‌ها؛ درست همان جایی که کل‌ها و بزهای کوهی برای نوشیدن آب به آنجا پناه می‌آورند، جان شیرین آن‌ها را می‌گیرند و عصر برای عقب نماندن از قافله اینستاگرامی‌ها برای همدردی با قلبی زنجیرهای روی قلب سیاه کلیک می‌کنند. گاهی به این فکر می‌کنم که کاش خداوند به ما هم بخشی از فهم کلامی را که به سلیمان نبی(ع) عطا کرده بود، می‌بخشید تا مثل او صدای دادخواهی‌شان را فریاد می‌زدیم: «یا أَيُّهَا النَّاسُ عَلِمْنَا مَنَطِقَ الطَّيْرِ؛ این مردم؛ به ما زبان پرندگان آموخته‌اند». آن وقت مثل پادشاه پریان محکمه‌ای می‌ساختیم تا آنجا همه حیوانات؛ از اهلی گرفته تا وحشی بنشینند و آنچه از سم‌شورزی‌های انسان‌ها برایشان گذشته، بگویند. پلنگ‌ها از حیوان‌کشی‌های ناصرالدین‌شاه و کشته شدن ۱۹ پلنگ به دست او می‌گفتند. بزها، قوچ‌ها، میش‌ها و خرس‌ها می‌آمدند و به نظم خواهی قتل همنوعانشان به دست ظل السلطان داد سخن می‌دادند.

چند وقت پیش دوستی که اصالتاً مکزیکیی است و از نوجوانی در اسپانیا زندگی می‌کند، برایم از تفریح معروف «سن فرمین» می‌گفت؛ جشنی که در آن مردمی متمن با تاریخی چند هزار ساله از دویدن گاوهای عصبانی و کشته شدنشان با ضربات نیزه و چاقوی ماتا دورها حظ می‌برند و برای آن‌ها کف و سوت می‌زنند.

داستان این قساوت‌ها مرز ندارد؛ کافی است کلیدواژه حیوان‌آزاری‌ها را در اینترنت جست و جو کنید. آن وقت می‌توانید مصادیق، تصاویر و ویدئوهایی از کشتار و سلاخی گاوهای باردار را در فرانسه، پختن خوک‌های زنده را در اروپا و هجوم آدم‌ها را برای گردن زدن هزاران گاو از پشت در جشنواره «گادهیما» نیپال ببینید.

از آن طرف می‌شود در دبلیا که خیلی‌ها برای ریال به ریال کارهایشان چرتکه می‌اندازند، روایت‌هایی را هم از آدم‌هایی شنید که برای نجات حیوان‌ها حساب و کتاب نمی‌کنند و از کسی یا نهاد و دستگاهی حقوق و دستمزد نمی‌گیرند. آدم‌هایی که وصف حال بعضی‌هایشان را پیش از این در صفحه «مردم» روزنامه به قلم عباسعلی سپاهی یونسی عزیز خوانده بودم.

مثل داستان واقعی حسین داستان نما پیرمرد هفتاد ساله اهل میانرود که ۳۳ سال راه خانه تا آبشخورهایی را که در دل کوه درست کرده است، طی می‌کند تا برای پلنگ‌ها، خرس‌ها، جوجه‌تیغی‌ها، مارها، زنبورها و هر چیز دیگری که در این کوه‌ها زندگی می‌کنند، آب ببرد یا مثل محمدرضا خوبرو از اهالی روستای دستجه فسا که او هم هر ماه ۵-۶ میلیون تومان هزینه می‌کند تا به قول خودش به پرنده‌ها و جک و جانورهای دیگری که در کوه زندگی می‌کنند، آب و غذا برساند. و خدا می‌داند چقدر با شنیدن روایت‌های این آدم‌ها که کارشان پاشیدن بذر انسانیت روی تمام زمین است، حالم خوب می‌شود.

این‌ها را که می‌شنوی یا می‌خوانی، محال است کیسه پلاستیکی پر از زیاله را بی‌هوا درون مخزن زیاله شوت کنی، محال است با کشیدن خطی برای تفریح، راه را برای مورچه‌ای بیرهاه کنی.

سپه‌اندرون باشد و سنگدل

که خواهد که موری شود تنگدل